

A Study of the Structure of Persian and Spanish Verbs with Emphasis on the Book *El Libro de Los Abrazos*

Fatemeh Bayatfar*

Najmeh Shobeiri, Abasali Vafaei*****

Abstract

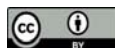
The verb is one of the important pillars of grammar, the structure of which is disputed by grammarians. Hence, research to remove ambiguity has become one of the most important necessities of grammar. In this article, with a comparative study of verb structure in both Persian and Spanish, with regard to the verbs of the book *El Libro de Los Abrazos* and its Persian translation, first the cause of disagreement about verb structure, then the way out of them provide an appropriate comparative classification of verb properties in both languages. During the research, it was found that the main reason for the disagreement about the structure of the verb is related to the type of division of language morphemes by the experts and the position of the preposition in it. After reviewing, we put the preposition below the lexical morpheme and considered the result of noun / adjective / adverb / verb / preposition+ verb as "compound verb" and the result of noun / adjective / adverb + derivative verbs as

* PhD Student in Persian Language and Literature at Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
(Corresponding Author), Fbayatfar1@nebrija.es

** Associate Professor of Spanish language and literature, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran,
shobeiri@atu.ac.ir

*** Full Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran,
a_a_vafaie@yahoo.com

Date received: 2022/04/05, Date of acceptance: 2022/07/23



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

"derivative verb". In addition to providing a comparative division of verb structure in two languages and removing ambiguities about derivative and compound verbs, it became clear what the reason for the frequency of compound verbs in Persian compared to Spanish was.

Keywords: Persian, Spanish, Verb Structure, Morpheme, Translation.



بررسی ساختمان افعال فارسی و اسپانیایی با تأکید بر کتاب دل بستگی‌ها^۱

فاطمه بیات‌فر*

نجمه شبیری**، عباسعلی وفايي***

چکیده

فعل از ارکان مهم دستوری است که دربارهٔ ساختمان آن بین دستورنویسان اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. از این رو، بررسی برای زدودن گرد ابهام از آن به یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های دستور زبان بدل شده است. در این مقاله، با بررسی تطبیقی ساختمان فعل در دو زبان فارسی و اسپانیایی، با نظر به افعال کتاب *دل بستگی‌ها*، اثر گاله آنو و ترجمهٔ فارسی آن از نازنین نوذری، ابتدا علت اختلاف‌نظرها دربارهٔ ساختمان فعل و سپس راه برون‌رفت از آن‌ها را بیان می‌کنیم و طبقه‌بندی تطبیقی مناسبی را، با ویژگی فعل در هر دو زبان (فعل ساده، فعل اشتقاقی، و فعل مرکب)، ارائه می‌دهیم. گفتنی است در تحقیق مشخص شد که علت اصلی اختلاف‌نظرها دربارهٔ ساختمان فعل به چگونگی تقسیم‌بندی تکواژهای زبان از سوی صاحب‌نظران و جایگاه حرف اضافه در آن برمی‌گردد. پس از بررسی، حرف اضافه را در ذیل تکواژ قاموسی قرار داده ایم و حاصل ترکیب اسم/ صفت/ قید/ فعل/ حرف با فعل را «فعل مرکب» و حاصل ترکیب اسم/ صفت/ قید با وندهای اشتقاقی فعل‌ساز را «فعل اشتقاقی»

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)،

Fbayatfar1@nebrija.es

** دانشیار زبان و ادبیات اسپانیایی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران،

shobeiri@atu.ac.ir

*** استادتمام گروه زبان و ادبیات فارسی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران،

a_a_vafaie@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱



دانستیم و ساخت فعل مرکب را نیز در پنج طبقه ارائه کردیم. این‌گونه علاوه‌بر ارائه تقسیم‌بندی تطبیقی از ساختمان فعل در دو زبان و رفع ابهامات درباره فعل اشتقاقی و مرکب، مشخص شد علت بسامد افعال مرکب در زبان فارسی در مقایسه با زبان اسپانیایی چه بوده است.

کلیدواژه‌ها: فارسی، اسپانیایی، ساختمان فعل، تکواژ، ترجمه.

۱. مقدمه

زبان فارسی و زبان اسپانیایی هر دو از خانواده زبان هندواروپایی‌اند؛ خانواده زبانی‌ای که تقریباً نیمی از جمعیت جهان، به‌منزله زبان نخست، به آن زبان‌ها سخن می‌گویند و قلمرو آن «در سراسر اروپا و قسمت پهناوری از آسیا، آمریکا، اقیانوسیه، و آفریقای جنوبی پراکنده شده است» (انوری و گیوی ۱۳۸۶: ۲). هردوی این زبان‌ها در رده زبان‌های صرفی قرار دارند. هم‌چنین، این دو زبان طی ارتباط زبانی با زبان‌های دیگر به دلایل گوناگون از جمله مهاجرت‌ها، استعمارها، و وابستگی‌ها تغییراتی یافته‌اند، چنان‌که زبان فارسی با ورود اسلام به ایران و زبان اسپانیایی در قرن هشتم زبان عربی بسیار تأثیر پذیرفته‌اند. این دو زبان در قرن بیستم نیز میزبان واژه‌های علمی و فنی بسیاری از زبان انگلیسی بوده‌اند و در طول زمان، در برابر ورود واژه‌های جدید از فرایندهایی چون گسترش معنایی، وام‌گیری، ساختن سرواژه، جعل واژه، ترکیب، و اشتقاق بهره برده‌اند.

ساخت واژگان از طریق فرایندهای ترکیب و اشتقاق جایگاه ویژه‌ای در دستور هردو زبان داشته است، چنان‌که دستورنویسان در نخستین دستور زبان‌های فارسی، که با تأثیر از قواعد عربی نوشته شده‌اند، با عنوان «جامد و مشتق»، و در دستورهای پس از دستور عبدالعظیم خان قریب، که با تأثیر از دستورهای اروپایی نوشته شدند، با عنوان «ترکیب و اشتقاق» به آن‌ها پرداخته‌اند. در این بین، در کتاب‌های دستور زبان، شاهد آشفتگی بین مباحث اشتقاق، ترکیب، و مرکب در ساخت فعل بوده‌ایم. در دستور زبان‌های اسپانیایی، با وجود این‌که (هم‌چون دیگر زبان‌های برگرفته از لاتین) از همان ابتدا با تأثیر از دستور لاتین نوشته شده‌اند، نیز درباره ساخت فعل از طریق این دو فرایند (فعل مرکب و فعل اشتقاقی) اختلاف نظر دیده می‌شود.

۱.۱ پیشینه پژوهش

در بیش‌تر دستور زبان‌های فارسی از ساختمان فعل سخن گفته شده است. از این‌رو، با توجه به این‌که ذکر آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد، خوانندگان را به مقاله «ساختمان فعل»،

نوشته عباسعلی وفاپی، ارجاع می‌دهیم. در این مقاله، ساختمان فعل از کتاب‌های دستور زبان فارسی پنج استاد از خیام پور، دستور از خانلری، دستور/امروز از ارژنگ، دستور مفصل از فرشیدورد، دستور/انوری و گیوی، دستور ظرفیت فعل از طیب‌زاده، دستور زبان فارسی برپایه گشتاری از مشکوة‌الدینی، و دستور زبان فارسی از حق‌شناس و دیگران بیان شده و پس از بازنمایی نمود و نقد آرای این دستورنویسان و دستوردانان، طبقه‌بندی جدیدی از ساختمان فعل ارائه شده است.

سیدمهدی رحیمی و علی قبادی‌نیا نیز در مقاله «نقدی بر سیر تاریخی ساختمان فعل مرکب در کتب مهم زبان شناسی و دستور زبان فارسی»، در مطالعه‌ای در زمانی، نگرش‌های گوناگون دستورنویسان را درباره ساختمان فعل بررسی کرده‌اند.

در نگاهی کلی، در تقسیم‌بندی دستورنویسان فارسی از ساختمان فعل، به فعل ساده، فعل پیش‌وندی، فعل مرکب، فعل مرکب پیش‌وندی، فعل گروهی، عبارت فعلی، و فعل لازم یک‌شخصه اشاره شده است و اختلاف نظر بر سر فعل‌های مشتق و فعل‌های جعلی نیز در دستور زبان‌ها دیده می‌شود.

در زبان اسپانیایی، بیش‌تر دستورنویسان ساختمان فعل را به ساده و مشتق تقسیم کرده‌اند و معتقدند فعل یا از مصدر (فعل ساده) یا از دیگر مقوله‌های زبانی با پس‌وندهای اشتقاقی فعل‌ساز (فعل مشتق) ساخته می‌شود (Tadea Díaz Hormigom 2011: 5).

خوان سانچز مندیز (Juan Sánchez Méndez)، زبان‌شناس و استاد ایرو-رومانیایی و متخصص تاریخ زبان اسپانیایی، در مقاله «ساخت کلمات مرکب از نظر تاریخی» ("La Formación de Palabras por Composición Desde un Punto de Vista Histórico")، با اشاره به تاریک‌بودن مرز کلمات مشتق و مرکب، به نبود مبنای نظری تاریخی درباره ساخت کلمات مرکب در دستورهای تاریخی اشاره می‌کند و می‌گوید:

از روی آثاری که به زبان اسپانیایی درباره ساخت کلمات تا اواخر دهه هفتاد نوشته شده است، این‌گونه استنباط می‌شود که تقریباً هیچ پیشرفتی در روش‌شناسی تحلیل کلمات مرکب وجود ندارد و هر نویسنده طبقه‌بندی خود را ارائه می‌دهد که ویژگی همه آن‌ها پراکندگی نظری با توجه به روند زبانی است، چنان‌که گفته نویسنده‌گان ملغمه‌ای بین مطالعه در زمانی و هم‌زمانی است (Sánchez Méndez 2009: 105).

او، با اشاره به آشفتگی در برخی کتاب‌های دستور زبان، با مطالعه‌ای در زمانی به ساخت مرکب و ارتباط آن با اشتقاق می‌پردازد و این استدلال دستورنویسان را که به فعل اشتقاقی

در زبان اسپانیایی قائل‌اند و معتقدند فعل مرکب در سده‌های پیش در زبان بوده و اکنون از بین رفته و از آن‌پس، ساختار فعل در زبان اسپانیایی فقط به دو صورت ساده و اشتقاقی است، به چالش می‌کشد. در قسمت فعل اشتقاقی، اطلاعات بیش‌تری را در این‌باره ارائه خواهیم کرد.

۲.۱ فرضیه پژوهش

الف. اختلاف نظرها در ساختمان فعل، به اختلاف نظر دستوردانان و دستورنویسان در تقسیم‌بندی تکواژها و در پی آن «وند» برمی‌گردد و جایگاه نسبی تکواژ دستوری، که از لحاظ معنا وابسته و از لحاظ شکل می‌تواند مستقل باشد، منشأ بسیاری از اختلاف‌نظرها شده است.

ب. علت بسامد کم افعال مرکب با همکردهای رایج در زبان اسپانیایی بسامد زیاد افعال ساده و اشتقاقی در این زبان است؛ برخلاف آنچه در زبان فارسی شاهد آن هستیم.

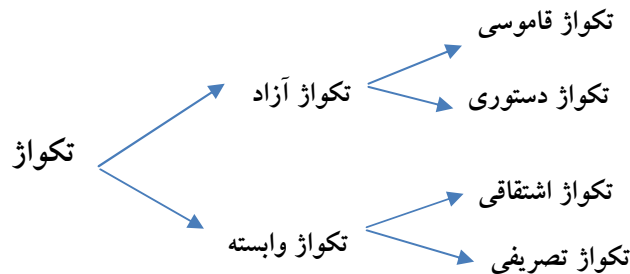
۳.۱ روش پژوهش

باتوجه به ارتباط چهار سطح زبان، یعنی واج‌شناسی، صرف، نحو، و معنی‌شناسی در پژوهش حاضر، برای رسیدن به نتیجه از منظر علم صرف و برپایه آن‌چه در فرضیه پژوهش مطرح شد، بررسی را از تکواژهای دو زبان آغاز می‌کنیم و به اتفاق نظری درباره جایگاه تکواژ آزاد دستوری می‌رسیم. سپس، با بررسی افعال کتاب دل‌بستگی‌ها، اثر گاله آنو و ترجمه آن از نازنین نوذری، به صورت تطبیقی ساختمان فعل را در دو زبان فارسی و اسپانیایی ارائه و بررسی می‌کنیم.

۲. طبقه‌بندی تکواژها

۱.۲ زبان فارسی

در تعرف تکواژ آمده است: «به واحدی بزرگ‌تر از واج گفته می‌شود که شامل دو دسته است: تکواژهای آزاد، آن‌هایی که به‌طور مستقل و بی‌هم‌راهی تکواژی دیگر می‌توانند در جمله ظاهر گردند و تکواژهای مقید که به‌تنهایی نمی‌توانند در جمله به‌کار روند» (غلامعلی‌زاده ۱۳۷۴: ۲۵۶؛ شقاقی ۱۳۹۵: ۵۱-۵۲؛ طباطبایی ۱۳۹۴: ۶۶). هرکدام از این تکواژها شامل دو طبقه‌اند که در شکل ۱ مشاهده می‌کنید.



شکل ۱. تکواژ در زبان فارسی

دستورنویسان درباره جایگاه حرف اضافه در شکل ۱ اختلاف نظر دارند. در ادامه، با تعریف انواع تکواژ، براساس این پژوهش جایگاه مناسبی برای حرف اضافه در نظر گرفته خواهد شد.

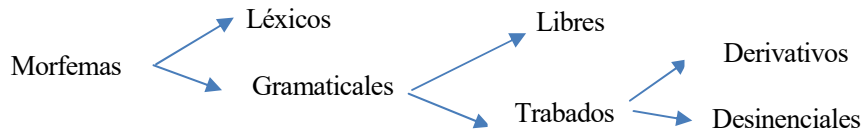
تکواژ آزاد قاموسی: معنای مستقلی دارد و به صورت وابسته در تکواژ دیگری به کار نمی‌رود. به این دلیل که در فرهنگ‌ها قابل جست‌وجوست و به آن قاموسی گفته می‌شود؛ مانند دفتر، کاغذ، و سقف (وفایی ۱۳۹۱: ۷۹). بیش تر دستورنویسان چهار دسته اسم، صفت، قید، و فعل را در ذیل تکواژ آزاد قاموسی قرار می‌دهند و مشکوة‌الدینی، در کتاب دستور زبان فارسی، واژگان و پیوندهای ساختی، به این دسته «حرف اضافه» را نیز اضافه می‌کند (مشکوة‌الدینی ۱۳۸۶: ۱۴). با توجه به این که حروف اضافه نیز به صورت وابسته در تکواژ دیگری به کار نمی‌روند و در فرهنگ‌ها ثبت شده است، ما نیز حرف اضافه را در این دسته قرار می‌دهیم. گفتنی است بیش تر دستورنویسان حرف اضافه را در ذیل تکواژ آزاد دستوری قید می‌کنند.

تکواژ آزاد دستوری: معنای مستقلی ندارد و با تکواژ آزاد به کار می‌رود؛ مانند را، حتی، و....

تکواژ وابسته اشتقاقی: به تکواژ آزاد می‌پیوندد و واژه‌های جدید می‌سازد؛ مانند «دان»، «ستان»، و «ی» در واژه‌های گل‌دان، گلستان، و جنگی.

تکواژ وابسته تصریفی: کاربرد مستقلی ندارد، با تکواژ آزاد به کار می‌رود، و واژه جدیدی نمی‌سازد؛ مانند «ان» نشانه جمع، «ی» نکره، «تر» و «ترین» در صفت، و «م»، «ن»، «ب»، و «می» در فعل (وفایی ۱۳۹۱: ۷۹-۸۰).

۲.۲ زبان اسپانیایی



شکل ۲. تکواژ در زبان اسپانیایی

تقسیم‌بندی شکل ۲، از صفحات شانزده و هفده کتاب دستور تعلیمی زبان اسپانیایی (Leonardo Gómez Torrego) *Gramática Didáctica del Español* لئوناردو گومز ترگو (Gómez Torrego 2011) گرفته شده است که برای سهولت در بررسی تطبیقی آن را به صورت شکل ارائه کرده‌ایم.

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، در این تقسیم‌بندی، تکواژها دو گونه‌اند: قاموسی (léxicos) و دستوری (gramaticales). تکواژ دستوری نیز شامل دو نوع است: آزاد (libres) و وابسته (trabados). تکواژ وابسته نیز خود دو زیرمجموعه دارد: اشتقاقی (Derivativos) و تصریفی (desinenciales).

نکته شایان توجه این است که تقسیم‌بندی تکواژها در زبان اسپانیایی اندکی با تقسیم‌بندی آن‌ها در زبان فارسی متفاوت است. در نگاهی کلی، تکواژهای وابسته در هر دو زبان شامل تکواژهای اشتقاقی و تکواژهای تصریفی می‌شود. در این بین، تکواژهای آزاد محل اختلاف نظرند. در زبان اسپانیایی، تکواژهای قاموسی جدا و بقیه تکواژها زیر عنوان تکواژهای دستوری گنجانده شده‌اند و تکواژ آزاد یکی از زیرمجموعه‌های تکواژ دستوری است، در صورتی که در زبان فارسی تقسیم‌بندی اولیه شامل تکواژ آزاد و وابسته است و در ذیل تکواژ آزاد، هر دو تکواژ قاموسی و دستوری جای گرفته‌اند.

نکته این است که تکواژهایی که ما در تقسیم‌بندی فارسی به آن‌ها نام تکواژ دستوری می‌دهیم، در فرهنگ‌های لغت «تکواژهای قاموسی» درج شده‌اند. پس، به نوعی می‌توانند در کنار تکواژهای قاموسی نیز قرار بگیرند. از طرف دیگر، قرار گرفتن آن‌ها در کنار تکواژهای قاموسی این معنی را می‌دهد که به تنهایی معنی و کاربرد مستقل دارند که این گونه نیست و اغلب از لحاظ معنایی وابسته‌اند. پس، به قطع و یقین، نه می‌توان آن را در کنار تکواژ قاموسی قرار داد و نه در کنار تکواژهای وابسته (اشتقاقی و تصریفی). منطقی‌ترین راه این است که بسته به نوع پژوهش جایگاه ثابتی برای آن قائل شد.

از این رو که پژوهش پیش رو از منظر علم صرف به بررسی تطبیقی ساختمان فعل با تکیه بر کتابی اسپانیایی و ترجمه آن به زبان فارسی می‌پردازد، ما از نداشتن استقلال معنایی این نوع تکواژ صرف نظر می‌کنیم و استقلال صرفی اش را مدنظر و آن را در کنار تکواژهای قاموسی و جزو تکواژهای آزاد قرار می‌دهیم و بر این اساس، سه نوع ساخت برای فعل‌های فارسی و اسپانیایی به‌قرار ذیل در نظر خواهیم گرفت.

۳. ساختمان فعل

۱.۳ فعل ساده

در دستور زبان‌های فارسی درباره فعل ساده اتفاق نظر هست و فعل ساده را فعلی می‌گویند که «عنصر اصلی آن تنها از یک تکواژ آزاد ساخته شده باشد، مانند: چید، خواهیم چید، چیده‌ام، داشت می‌چید، داشته می‌چیده است، که فعل ساده به‌شمار می‌آیند، چراکه عنصر اصلی همه آن‌ها یک تکواژ آزاد (چیدن) است» (وفایی ۱۳۹۵: ۱۲۲). فعل ساده در زبان اسپانیایی نیز چون زبان فارسی فعلی را شامل می‌شود که عنصر اصلی اش یک تکواژ قاموسی باشد؛ مانند *compro*، *he comprado*، *hube comprado*، *hubiera comprado* و *haya comprado* که عنصر اصلی آن‌ها تکواژ قاموسی *comprar* است.

بر پایه پژوهش‌های انجام‌شده، شمار فعل‌های ساده در زبان فارسی زیاد نیست و بیش‌تر آن‌ها نیز با گذر زمان به سمت مرکب شدن کشیده شده‌اند. در زبان اسپانیایی، در مقایسه با زبان فارسی، شمار فعل‌های ساده بیش‌تر است، زیرا این زبان پیوند خود را با زبان‌های لاتینی و یونانی نبریده است و هم‌چنان از منابع آن‌ها ارث می‌برد، چنان‌که با بررسی افعال اسپانیایی کتاب *دل بستگی‌ها*، ۲۸۱ فعل ساده غیر تکراری یافت شد. معادل این ۲۸۱ فعل ساده اسپانیایی در ترجمه فارسی این کتاب ۵۱ فعل ساده، ۱۹۰ فعل مرکب با هم‌کرد رایج (مانند کردن، داشتن، دادن، زدن، گرفتن، شدن، انداختن، و ماندن)، ۳۱ فعل مرکب با هم‌کرد غیر رایج (مانند شمردن، گذاشتن، نهادن، خواستن، آوردن، و بخشیدن)، و نه عبارت فعلی (مانند در قفس انداختن، به‌دردن خوردن، به‌تن داشتن، و به‌تنگ آمدن) بود.

باتوجه به این‌که برخی افعال مرکب در زبان فارسی شکل ساده نیز دارند، باید گفت از بین ترجمه فارسی این ۲۸۱ فعل ساده اسپانیایی، مترجم فقط می‌توانسته است با حفظ بار معنایی برای سه موردی که در جدول ۱ آمده است، فعل ساده به‌کار ببرد.

جدول ۱. کاربرد فعل ساده با حفظ بار معنایی

		ترجمه نودری	فعل معادل			ترجمه نودری	فعل معادل
1	Hay	وجود دارد	هست	3	Dibujan	رسم می‌کردند	می‌کشیدند
2	Pidío	درخواست کرد	خواست				

در موارد دیگر، مثلاً ترجمه افعال اسپانیایی *escuchaba*، *volaban*، و *contó* مترجم معادل‌های «گوش می‌داد»، «نقل کرد»، و «پرواز می‌کردند» را به‌درستی استفاده کرده است، زیرا معادل‌های فعل ساده این افعال، یعنی «می‌شنید»، «گفت»، و «می‌پريدند» بار معنایی معادل با فعل اسپانیایی را ندارند.

برپایه آمار ارائه‌شده، شمار زیاد فعل‌های مرکب در زبان فارسی شاهدهی بر این است که در نظام فعل زبان فارسی «مفاهیم فعلی عمدتاً به‌وسیله ساخت‌های فعل سبک بیان می‌شوند. ساخت فعل سبک در زبان فارسی از هم‌نشینی یک فعل سبک با یک پیش فعل، که جزء غیرفعلی است و می‌تواند عنصری از مقوله اسم، صفت یا عبارت حرف اضافه‌ای باشد، ایجاد می‌گردد» (کریمی‌دوستان و اسحاقی ۱۳۹۸: ۱۵۹). در قسمت فعل مرکب به این موضوع بیش‌تر خواهیم پرداخت.

۲.۳ فعل اشتقاقی

در این‌جا، منظور از فعل اشتقاقی فعلی است که از یک تکواژ وابسته اشتقاقی برآمده باشد. از این‌رو، ابتدا به نبود فعل پیش‌وندی از منظر علم صرف در دو زبان فارسی و اسپانیایی پرداخته، سپس فعل‌های اشتقاقی در زبان فارسی (افعال جعلی) و اسپانیایی بررسی می‌شود. در تعریف فعل پیش‌وندی آمده است: «فعل پیش‌وندی آن است که از یک پیش‌وند و یک فعل ساده ساخته شود: برداشتن، درافتادن، فرورفتن» (احمدی گیوی و انوری ۱۳۸۵: ۱۶). در این تعریف مفهوم پیش‌وند کمی مبهم است. در فرهنگ فارسی عمید، ذیل مدخل «پیش‌وند» آمده است: «پیش‌وند در دستور زبان، کلمه یا حرفی [است] که در اول کلمه درآید و معنی آن را تغییر دهد، مانند: «بر»، «بی»، «فرو»، «نا»، «هم» در کلمات برانگیختن، بی‌دل، فراخور، فرومایه، ناتوان، هم‌نشین». برپایه این تعریف، پیش‌وند می‌تواند اسم، صفت، قید، یا حرف باشد.

همان‌طور که می‌دانیم، بیش‌تر دستورنویسان فارسی مرکب‌بودن افعالی را که جزء اول آن‌ها اسم و صفت است، باور دارند؛ مثلاً «سرگرفت» و «گرگرفت»، زیرا از دو تکواژ آزاد

تشکیل شده‌اند. اغلب آن‌ها را در طبقه افعال مرکب جای می‌دهند و حاصل ترکیب حرف اضافه با فعل، مانند «درگرفت»، را فعل پیش‌وندی خوانده‌اند.

اما همواره اختلاف نظرهایی بر سر جای‌دادن برخی افعال مانند «فرورفتن»، «فراگرفتن»، و «فروآمدن» در طبقه فعل‌های پیش‌وندی یا مرکب، به سبب اختلاف نظر درباره مقوله جزء اول این افعال، وجود داشته است. این تاریک‌بودن مرز فعل‌های پیش‌وندی و مرکب دلایل گوناگونی دارد. در ادامه، به دو دلیل عمده آن می‌پردازیم.

۱. آشفتگی و توجه نکردن به تعریف وند و تکواژ: در سطور پیشین، تکواژ را تعریف

و طبقه‌بندی کردیم و تعریف فرهنگ عمید از پیش‌وند را نیز ارائه کردیم. باید گفت:

تکواژ وابسته‌ای را که به اجبار به پایه‌ای متصل می‌شود تا واژه یا صورت کلمه بسازد «وند» نامیده‌اند. وندها را با توجه به جایگاه و نحوه اتصالشان به پایه به انواع پیش‌وند، میان‌وند، پس‌وند، بیناوند و وندگسسته پیرامونی و درونی مرسوم به پیراوند و درون‌وند تقسیم می‌کنند (شقایق ۱۳۹۵: ۶۷).

اولین سؤالی که این‌جا مطرح می‌شود، این است که اگر «وند» تکواژ وابسته است، پس چه طور «پیش‌وند» می‌تواند کلمه یا حرف (تکواژ آزاد) باشد.

بیش تر دست‌نویسان فارسی و اسپانیایی با قرار دادن «حرف اضافه» در ذیل تکواژ دستوری به فعل پیش‌وندی در این دو زبان قائل‌اند و ترکیب حرف اضافه با تکواژ آزاد را فعل پیش‌وندی دانسته‌اند. پرسشی که پیش می‌آید این است که چرا آن‌ها مطابق با تعریف وند، در هیچ‌کدام از این زبان‌ها در قائل شدن به فعل پیش‌وندی، «تکواژ دستوری» را در ذیل تکواژ وابسته قرار نداده‌اند و پرسش اساسی‌تر این‌که آیا تکواژهای دستوری می‌توانند در ذیل تکواژهای وابسته قرار بگیرند؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها باید به تعریف تکواژ دستوری برگردیم؛ تکواژی که معنای مستقل ندارد، اما در فرهنگ‌ها ثبت شده است و جزء مقوله‌های دستوری به‌شمار می‌رود، مانند حروف اضافه. ویژگی تکواژ دستوری به‌گونه‌ای است که از لحاظ معنایی همیشه مستقل نیست و به تکواژ آزاد نیاز دارد، اما می‌تواند مستقل از ساختمان تکواژ آزاد به‌کار رود. از این‌رو، از منظر صرف‌زبانی تکواژ وابسته را جزو تکواژهای آزاد قلمداد کرده‌ایم. بنابراین، با قرارگرفتن تکواژهای دستوری در زیرمجموعه تکواژ آزاد، این‌گونه تکواژها با هر فعلی هم‌راه شوند، فعل مرکب می‌سازند و نه فعل پیش‌وندی. چنان‌که اشاره کردیم، مشکوٰۃ‌الدینی نیز حرف اضافه را در مقوله تکواژ آزاد قاموسی قرار داده است. از این‌روست

که افعالی چون فراگرفت، دررفت، بازایستاد، سررسید، و... در زبان فارسی فعل مرکب به‌شمار می‌آیند، زیرا حرف، قید، اسم، و صفت که با فعل همراه شده‌اند، جزء مقوله‌های زبانی و تکواژهای آزاد به حساب می‌آیند و ترکیب دو تکواژ آزاد باهم کلمه‌ای مرکب پدید می‌آورد. در قسمت فعل مرکب به آن‌ها خواهیم پرداخت.

وضعیت فعل پیش‌وندی در زبان اسپانیایی نیز چون زبان فارسی است. به‌عبارتی، به‌دلیل ثابت‌نبودن جایگاه تکواژ دستوری، بیش‌تر دستورنویسان اسپانیایی تکواژهای دستوری را وابسته دانسته‌اند و این‌گونه افعال همراه با پیش‌وند را افعال پیش‌وندی خوانده‌اند. نکتهٔ دیگر این‌که حتی ترکیب برخی اسم‌ها، قیدها، یا صفت‌ها با فعل را به‌دیدهٔ فرایندی اشتقاقی نگریسته و این افعال را نیز افعال پیش‌وندی نام نهاده‌اند، به‌گونه‌ای که بر این اساس و بنابر نظر سانچز میندز، می‌توان زبان اسپانیایی را زبانی اشتقاقی دانست، چنان‌که بارها اذعان و در مقالاتی نیز اشاره شده است که فعل مرکب در این زبان ساخته نمی‌شود (see Sánchez Méndez 2009: 127).

۲. درهم‌آمیخته‌شدن مطالعات در زمانی و هم‌زمانی: تغییر مقوله‌های دستوری کلمات با گذر زمان یکی از علل اختلاف نظر دستورنویسان در قائل‌شدن به فعل مرکب و پیش‌وندی است. بسیاری از قیدها، صفت‌ها، و اسم‌هایی که اکنون به‌همراه فعل می‌آیند، به‌مرور زمان به حرف اضافه تبدیل شده‌اند؛ مانند دو فعل فراگرفت و فرورفت که در قسمت پیش به آن‌ها اشاره شد.

حجم زیادی از کلمات یونانی و لاتین واردشده به زبان اسپانیایی نیز رفته‌رفته تغییر مقوله داده، به‌وند تبدیل شده، در ساختمان کلمات جدید به‌کار رفته‌اند، و کم‌کم و در گذر زمان گروهی از این‌وندها به حرف اضافه تبدیل و سبب آشفتگی در تعیین مرز اشتقاق و ترکیب شده‌اند، همان‌طور که در فرهنگ لغت *رنال آکادمی* (Real Academia)، که از موثق‌ترین فرهنگ‌های کنونی اسپانیا و زیرنظر فرهنگستان این کشور است، مقولهٔ کلمه‌ای برای این‌وندها درج نشده و فقط با عنوان *وند* به آن‌ها اشاره شده است (بنگرید به جدول ۲).

جدول ۲. برخی‌وندها در زبان اسپانیایی

Inter	Interponer	Multi	Multicopiar
Circum	Circunnaregar	Pluri	Pluriempear
Super	Superponer	Sub	Subdesarrollar

خوزه گیتیرزا (José Pérez Aguiar-Virginia Gutiérrez) دربارهٔ این وندهای برگرفته از یونانی و لاتین می‌گوید: «کلمات لاتین-یونانی (temas cultos) رفتارهای عجیب دارند، از یک طرف، از وندهای واقعی دورند و از طرف دیگر، یک معنای لغوی نزدیک به ریشهٔ کلمات دارند. به این گونهٔ «وند»ها عنوان عناصر وندی ترکیبی داده‌اند» (Pérez Aguiar 2013: 75). به این عناصر وندی ترکیبی در زبان فارسی «شبه‌وند» گفته می‌شود. در ادامهٔ پژوهش، به برخی از تکواژهای آزاد اسپانیایی، که برپایهٔ نظر رئال آکادمی مقولهٔ مشخص دارند و قبل فعل می‌آیند، اشاره می‌شود.

جدول ۳. حرف قبل از فعل

Des, dis, de	Desconocer	In, im, il	Ilegalizar
Sobre	Sobrevolar	Ex	Exculpar
So	Socaver	Entre	Entremeter
Con	Convivir	Trans	Transporter
Ante	Anteceder		

جدول ۴. قید قبل از فعل

Ante	Anteponer	Sobre	Sobrevivir	Entre	Entremeter
------	-----------	-------	------------	-------	------------

جدول ۵. اسم قبل از فعل

Post	Postponer	Trans	Transporter
------	-----------	-------	-------------

همان‌گونه که در جدول ۳، ۴، و ۵ مشاهده می‌کنید، برخی واژه‌ها در دو مقوله جای گرفته‌اند. از این رو، واتبرگ معتقد است:

هیچ تفاوتی بین ترکیب و اشتقاق وجود ندارد. یک اسم می‌تواند به تدریج از نظر معنایی فرسوده و به یک پس‌وند تبدیل شود... بین اشتقاق و ترکیب رابطه‌ای با استمرار تاریخی برقرار می‌شود، به گونه‌ای که اشتقاق را می‌توان به‌عنوان ترکیبی که فرسوده می‌شود، درک کرد و توسعه داد (Sánchez Méndez 2009: 110).

چنان‌که اشاره شد، پژوهش‌گران همواره بین مقولهٔ دانستن این عناصر (تکواژهای قبلِ عنصرِ فعلی) باهم اختلاف داشته‌اند. از این رو، اگر این گونه پیش‌وندها را در طبقهٔ تکواژهای

دستوری و جزء تکواژهای آزاد به حساب آوریم، بر اختلاف نظرها نقطه پایان گذاشته‌ایم، زیرا با قراردادن این پیشوندها، چه حرف، اسم، قید، یا صفت باشند، در طبقه تکواژ آزاد دستوری می‌توان حاصل ترکیب آن‌ها با فعل را فعل مرکب دانست، فارغ از این‌که در گذر زمان چه تغییری در مقوله دستوری آن اتفاق افتاده است و استقلال معنایی دارند یا نه. بنابراین، از یک طرف، ضرورتی پیدا نمی‌کند که مطالعات در زمانی و هم‌زمانی را در هم آمیزیم و علاوه بر حیطه پژوهش (که در این جا صرف است)، به حیطه معنی‌شناسی وارد و از اصل موضوع دور شویم و از طرف دیگر، آموزش افعال آسان‌تر می‌شود.

اما علاوه بر این گونه ساخت فعل [حرف + عنصر فعلی]، که اکنون ما از آن به منزله فعل مرکب که حاصل دو تکواژ آزاد است یاد می‌کنیم، در زبان اسپانیایی به ساخت فعل اشتقاقی از طریق پس‌وند نیز قائل‌اند. این ساختار (مقوله‌های زبانی + تکواژهای فعل‌ساز) مطابق ساختار فعل جعلی در زبان فارسی است که بیش‌تر دستورنویسان نظر مثبتی درباره آن ندارند، اما افرادی چون علی اشرف صادقی، محمد حیدری ملایری، یدالله منصوری، و محمدعلی باطنی از این ساختار فعلی به‌نیکی یاد می‌کنند و آن را دارای ارزش می‌دانند. در ادامه، به مهم‌ترین نظریات آن‌ها اشاره می‌شود.

علی اشرف صادقی در مقاله «مسائل تاریخی زبان فارسی»، درباره فعل‌های جعلی می‌گوید: «در زبان فارسی گاه برای بیان مفاهیم فعلی به کمک این پس‌وند [ئید، ئیدن] از اسم‌ها و صفات، بعضی افعال جدید [می‌سازند] این‌گونه افعال را جعلی یا صناعتی می‌نامند» (صادقی ۱۳۸۰: ۱۴۶). او معتقد است نباید به این نوع افعال عنوان جعلی داد، همان‌طور که محمدحیدری ملایری در مقاله «بحثی درباره صرف زبان علمی فارسی» می‌گوید: «مصدرسازی از اسم و صفت و قید در زبان‌های دیگر هندواروپایی، که خویشاوند فارسی‌اند، سخت متداول و عادی است و هرگاه لازم است سایر مشتق‌های مصدری آن‌ها را نیز به کار می‌برند» (ملایری ۱۳۵۲: ۴۵).

یدالله منصوری نیز با اشاره به کاربرد این افعال در زبان‌های باستان و ارائه شواهدی، به علت پدید آمدن این‌گونه افعال از اسم و صفت اشاره می‌کند و معتقد است این افعال براساس نیازهای دینی و فلسفی به وجود آمده‌اند و شواهدی از دین‌کرد، زادسپریم، و غیره می‌آورد و ساختار فعل‌های جعلی در فارسی میانه را طبقه‌بندی می‌کند (منصوری ۱۳۸۲: ۱۱۰). به عبارتی، او نیز هویتی مستقل برای این افعال قائل شده است. محمدرضا باطنی نیز، در مقاله «فارسی زبانی عقیم»، می‌گوید:

به‌رغم این‌که بعضی از فعل‌هایی که از این راه ساخته شده‌اند، قرن‌هاست در فارسی رایج هستند و بزرگان ادب فارسی نیز آن‌ها را به‌کار برده‌اند، مانند «دزدیدن» و «طلبیدن»، بسیاری از دستورنویسان آن‌ها را «فعل جعلی» می‌نامند که خود نشانهٔ اکراه و ناخشنودی آن‌ها از این نوع افعال است. ما برای اجتناب از کاربرد این اصطلاح، فعل‌هایی از این دست را «فعل‌های تبدیلی» می‌نامیم و منظورمان این است که اسم یا صفتی به فعل تبدیل شده است (باطنی ۱۳۶۲: ۷۰).

در این‌گونه افعال، مانند انجامید، پرهیزید، آشوبید، ترسید، گردانید، خشکید، و جنگید، اسم و صفت با تکواژهای فعل‌ساز ترکیب شده‌اند و از آن‌جاکه این تکواژها از نوع تکواژهای اشتقاقی‌اند و مقولهٔ کلمه را تغییر می‌دهند، می‌توان این افعال را افعال اشتقاقی نامید.

باتوجه‌به این‌که ساختن فعل از اسم و صفت در زبان‌های اروپایی مثل انگلیسی، اسپانیایی، و فرانسوی یکی از فرایندهای ساخت کلمهٔ جدید است و ازطرفی، در فارسی میانه نیز از حرف اضافه، ضمیر مشترک، و قید نیز این‌گونه افعال در زبان فارسی ساخته می‌شده است (بنگرید به منصوری ۱۳۸۲)، بهتر است در زبان فارسی نیز به این توانایی فعل‌سازی به‌دیدهٔ مثبت نگریسته و از آن برای واژه‌سازی استفاده شود.

در زبان اسپانیایی، ساخت فعل از طریق اسم (denominal) و ساخت فعل از طریق صفت (deadjectival) نیز فعال است؛ مانند نمونه‌های جدول ۶ و ۷ که از صفحهٔ هفت مقالهٔ «ساخت کلمه» ("Formación de Palabras") از ماریا تادا دیاز ارمیگو استخراج شده است.

جدول ۶. تکواژهای اشتقاقی فعل‌ساز از اسم و صفت

اسم + ar	Taponar	اسم + ecer	Florecer
اسم + ear	Golear	اسم + izar	Escalivizar

جدول ۷. تکواژهای اشتقاقی فعل‌ساز از صفت

صفت + ificar	Santificar	صفت + ecer	Humedecer
--------------	------------	------------	-----------

در زبان اسپانیایی کلمهٔ مرکب نیز می‌تواند با این تکواژهای اشتقاقی به فعل تغییر یابد. نمونه‌هایی از آن در زبان اسپانیایی در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸. تکواژهای فعل‌ساز همراه با کلمهٔ مرکب

a....ar	Abotonar, alargar, alejar	En, em....ar	Entronizar, engordar
a....izar	Aterrizar	En, em....ecer	Enrojecer

نمونه فارسی: پرماسیدن، برخشکیدن، سرانجامیدن، و ورقلمبیدن.
اکنون، با مشخص شدن مرز فعل اشتقاقی و فعل مرکب، به بررسی و طبقه‌بندی تطبیقی فعل مرکب در زبان فارسی و اسپانیایی، با توجه به نمونه‌های گردآوری شده از کتاب *دل‌بستگی‌ها و ترجمه آن*، می‌پردازیم.

۳.۳ فعل مرکب

«فعلی که در عنصر اصلی آن بیش از یک تکواژ به‌کار رفته باشد، "فعل مرکب" خوانده می‌شود، مانند: صحبت کردن، از دست رفت، دررفت» (وفایی ۱۳۹۵: ۱۲۳).

فعل مرکب، با توجه به مقوله دستوری هم‌راه، به صورت‌های ذیل تقسیم می‌شود.

۱. فعل مرکب حرفی:

شواهدی از پرکاربردترین حروف در فعل‌های مرکب اسپانیایی در کتاب *دل‌بستگی‌ها و ترجمه آن* به‌قرار ذیل ارائه می‌شود:

اسپانیایی:

revolvía, descubrió, encabezaba, conmovía,...

فارسی: دررفت، سررفت، برخوردار، درآمیخت، ورافتاد...

۲. فعل مرکب اسمی:

اسپانیایی:

manatar, manllevar, quintupliar, cuadrangular, radiografiar.

فارسی: قدم‌زدن، کارکردن، عذرخواستن، وجودداشتن، ادامه‌داشتن.

۳. فعل مرکب صفتی:

اسپانیایی:

sobresalir, maleducar, malgastar, malestar, maldecir, bienestar, taladrar.

فارسی: یاری کرد، شلوغ کرد، بازی داد، روشن کرد

۴. فعل مرکب قیدی:

اسپانیایی:

Sobrealimentar, Anteponer, Posponer.

فارسی: بالا برد، پیش رفت، عقب انداخت.

گفتنی است شمار فعل‌های مرکب حرفی، اسمی و صفتی/ قیدی در کتاب *دل بستگی‌ها* به زبان اصلی، کم‌تر از شمار آن‌ها در ترجمه به زبان فارسی است و چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، بیش از دویست فعل ساده اسپانیایی در زبان فارسی با همکردهای مختلف به صورت مرکب ترجمه شده‌اند. برخی از همکردهای پرسامد در ترجمه فارسی افعال این کتاب عبارت‌اند از: فعل «کردن» که ۸۸ فعل مرکب ساخته و پس از آن فعل «دادن» در ساختار ۲۳ فعل مرکب به کار رفته است و فعل‌های «زدن» و «داشتن» به ترتیب در ساختار سیزده و یازده فعل مرکب یافت شده‌اند. برخی دیگر از آن‌ها که بسامد کم‌تری داشتند، عبارت‌اند از: گرفتن، بخشیدن، کشیدن، بودن، انداختن، ماندن، آمدن، آوردن، بودن، خوردن، و....

گروهی از دستوردانان با عنوان «ترکیب و انضمام» ساختار افعال مرکب فارسی را بررسی کرده‌اند؛ یعنی با بررسی نحوی این افعال در جمله، گاه نقش مفعولی و گاه نقش مسندی را به جزء غیرفعلی این افعال داده‌اند و برخی از افعالی را که مرکب به نظر می‌رسند، فعل ساده دانسته‌اند. گروه دیگری افعال مرکب را از لحاظ نحوی به الف. افعال دارای جزء غیرفعلی محمولی و ب. افعال دارای جزء غیرفعلی غیرمحمولی تقسیم کرده‌اند و با اعتقاد به مرکب‌بودن ساختار هر دو گروه از لحاظ نحوی آن‌ها را بررسی کرده‌اند (بنگرید به البرزی ورکی ۱۳۷۷). با توجه به حیطه مقاله حاضر، ما با گروه دوم هم‌نظریم و تمام این افعال را مرکب پنداشته‌ایم.

در زبان اسپانیایی نیز فعل‌های همکرد وجود دارد، مانند *dar, hacer, tomar, echar* (Lazumi 1993: 22)، اما کاربرد آن‌ها بسیار کم‌تر از زبان فارسی است، چنان‌که در کتاب *دل بستگی‌ها* تعداد معدودی از آن‌ها را یافتیم؛ مانند افعال مرکب جدول ۹ با همکردهای *dar* و *hacer, tocar*.

جدول ۹. فعل‌های همکرد در کتاب *دل بستگی‌ها*

Hacían ruido	سروصدا می‌کردند	Hacían cola	صف کشیده بودند
Hacían eco	انعکاس می‌یابند	Tocaron bocina	بوق زدند
Hacían lio	دردسر ایجاد می‌کردند	Les daba palzo	مهلت می‌دهند
Hacían falta	لازم داشت		

در زبان اسپانیایی افعالی وجود دارند که می‌توان آن‌ها را مرکب ضمیری دانست. در ترجمه این افعال به زبان فارسی، گاه یک همکرد در کنار پایه واژگانی اسم، صفت/ قید و حرف قرار گرفته است و گاه به صورت ساده ترجمه شده‌اند. در ادامه، به این افعال خواهیم پرداخت.

۵. فعل مرکب ضمیری یا ضمیردار (verbos pronombres):

فعل مرکب ضمیری در زبان اسپانیایی کاربرد زیادی دارد. این گونه فعل‌ها در شش شخص و در زمان‌ها و وجه‌های مختلف صرف می‌شوند. فاعل در این گونه افعال انجام‌دهنده کار است. با این افعال، شش ضمیر *yo, me, te, se, nos, os* همراه می‌شوند، مثال:

Pedro se lava las manos. پدرو خود دست‌هایش را شست.

زبان‌شناسان هیسپانیست این گروه از افعال را از منظر علم صرف (*morfología*)، نحو (*sintáctico*)، و معناشناسی (*semántica*) بررسی کرده‌اند و از لحاظ صرفی، دو دسته برای این گونه افعال قائل شده‌اند:

الف. افعال ذاتاً ضمیری (*los verbos pronominales inherentes*): همیشه تکواژ ضمیری به همراهشان می‌آید و گروه گسترده‌ای را شامل می‌شوند:

Abalanzarse, aborregarse, abstenerse, aburguesarse, acartonarse,...

ب. افعال ضمیری متناوب (*los verbos pronominales alternativos*): افعالی را شامل می‌شوند که هم به صورت ضمیری و هم غیر ضمیری کاربرد دارند، مانند:

Ir/irse, volver/volverse, comer/comerse, dormir- dormirse,...

من سه تا ساندویچ خوردم. Me comí tres bocadillas

من می‌خواهم بخوابم. (همین الان) Quiero dormirme

در مثال اول، با استفاده از فعل ضمیری *comerse* بر کمیت فعل تأکید می‌شود و اگر تأکید بر کمیت فعل نبود، از فعل *comer* استفاده می‌شد. در مثال دوم، بر شروع وقوع فعل (خوابیدن) اشاره می‌شود؛ یعنی با استفاده از فعل *dormirse* اشاره می‌کند که همین الان قصد دارد بخوابد و اگر از فعل *dormir* استفاده می‌شد، بر وقوع فعل در لحظه تأکیدی نداشت.

هر دو گروه یادشده غنای بسیاری به ساختمان فعل در زبان اسپانیایی بخشیده‌اند. به

مثال‌های زیر از کتاب *دل‌بستگی‌ها* دقت کنید:

Me reí (Galeano 2007: 19).	من خندیدم (نوذری ۱۳۸۳: ۳۰).
Se cansó (Galeano 2007: 35).	ازدواج کرد (نوذری ۱۳۸۳: ۴۶).
Se marchó (Galeano 2007: 35).	رفت (نوذری ۱۳۸۳: ۴۶).
Y se echó a las calles (Galeano 2007: 13).	و خود را در خیابان انداخت (نوذری ۱۳۸۳: ۲۴).
Se metió en una barbería (Galeano 2007: 13).	و خودش را در یک سلمانی انداخت (نوذری ۱۳۸۳: ۲۴).
Y se rascó la barriga (Galeano 2007: 37).	و شکمش را خاراند (نوذری ۱۳۸۳: ۴۸).
¡Que se tire de una vez!	خب یک‌دفعه خودش را پرت کند (نوذری ۱۳۸۳: ۷۵).
Aplauda a la víbora que se muerde la cola (Galeano 2007: 69).	و افعی که دمش را گاز می‌گیرد (نوذری ۱۳۸۳: ۱۰۲).
Se enroscaba la barba (Galeano 2007: 136).	ریشش را تاباند (نوذری ۱۳۸۳: ۱۴۲).
Se encogen de hombros (Galeano 2007: 140).	شانه بالا می‌اندازند (نوذری ۱۳۸۳: ۱۴۶).
Se hinchó de orgullo (Galeano 2007: 47).	غرق غرور شد (نوذری ۱۳۸۳: ۳۶).
El borge se ahogó (Galeano 2007: 53).	ماهی غرق شد (نوذری ۱۳۸۳: ۶۵).

از بین فعل‌های ضمیری یادشده *tirarse*، *irse*، *dincharse*، *encogerse* و *muerderse* افعال ضمیری متناوب‌اند. در ترجمه فارسی افعال بالا معمولاً از ضمیر «خود» استفاده می‌شود تا عملکرد یک‌سان ضمیر و شخص فعل در این‌گونه افعال در زبان اسپانیایی را بازنماید.

گفتنی است در زبان اسپانیایی، گروهی از ضمیرها پیش از فعل می‌آیند که شباهت بسیاری به این افعال دارند و نباید آن‌ها را افعال انعکاسی دانست. مثلاً در دو نمونه ذیل، ضمیر *me* که قبل از فعل آمده، ضمیر مفعولی است:

Me despiertan los fulgores del paisaje (Galeano 2007: 119).	درخشندگی منظره مرا بیدار کرد (نوذری ۱۳۸۳: ۱۲۵).
Me leyó la suerte (Galeano 2007: 19).	فالم را گرفت (نوذری ۱۳۸۳: ۳۰).

یا se در جمله زیر ضمیر تقابلی (reciproca) است که در فارسی «یک‌دیگر» معنی شده است:

یک‌دیگر را بازمی‌شناسند (نوذری ۱۳۸۳: ۱۲۷). (Se reconocen (Galeano 2007: 121).
در زبان فارسی این نوع مرکب بسامد چندانی ندارد. «کسی شد» و «هیچ شد» را می‌توان نمونه‌ای از این نوع مرکب در زبان فارسی دانست.

۶. فعل مرکب آمیخته:

در زبان اسپانیایی عبارتهای فعلی حاصل دو فعل / مصدر و حرف اضافه بین آنها وجود دارد، مانند نمونه‌های ذیل از کتاب دل‌بستگی‌ها:

Iba a inaugurar	Iban a tomar posición	Iban a quemar
Iban a quemar	Vovió a intentarlo	Van a sacar
Volver a vivir	Iba a filmar	Se puso a gritar

مرکب آمیخته در زبان فارسی بیش‌تر معنای کنایی و استعاری دارد و در ساختار آن، یک فعل وجود دارد؛ مانند در دست گرفتن، به تن داشتن، جنگ در گرفتن، در قفس انداختن، به درد نخوردن، به تنگ آمدن، حوصله سر رفتن.

۴. نتیجه‌گیری

اغلب بین دستوردانان زبان فارسی و اسپانیایی درباره ساخت اشتقاقی و مرکب فعل اختلاف‌نظرهایی دیده می‌شود. از این رو، در این پژوهش ابتدا از منظر صرف تکواژه، بنیاد علت اختلاف‌نظرها را آشکار کردیم. سپس، با ارائه طبقه‌بندی تطبیقی از تکواژه‌های دو زبان و تعیین جایگاه ثابت برای گروهی از کلمات، از جمله حرف اضافه در این طبقه‌بندی، تعریف دقیق‌تری را از فعل مرکب و فعل اشتقاقی ارائه کردیم و براساس آن، به ساختمان افعال کتاب دل‌بستگی‌ها اثر گاله آنو و ترجمه نازنین نوذری به صورت مطابقه‌ای پرداختیم.

نتیجه بررسی این بوده است که شمار افعال ساده در زبان اسپانیایی، به دلیل این که این زبان پیوند خود را از زبان لاتین و یونانی نبریده است، بیش‌تر از زبان فارسی است و مترجم بیش‌تر در ترجمه این افعال از فعل‌های سبک فارسی مانند کردن، داشتن، دادن، زدن، و... به همراه اسم، صفت، فعل، یا حرف بهره برده است. از طرفی، با توجه به ناپسند بودن ساخت فعل از اسم و صفت به همراه پس‌وندهای فعل‌ساز در زبان فارسی و خلأ ساخت

اشتقاقی فعلی زایا در این زبان، مترجم در ترجمهٔ بیش‌تر فعل‌های اشتقاقی اسپانیایی نیز از فعل مرکب بهره برده است. باید افزود افعال ضمیری اسپانیایی با کاربرد زیادی که دارند، علاوه بر کم کردن نیاز به همکرد در ساخت فعل مرکب در زبان اسپانیایی سبب شده‌اند فعل مرکب گروهی و آمیخته نیز در زبان اسپانیایی، در مقایسه با زبان فارسی، کم‌تر باشد. باتوجه به این موارد، می‌توان ساختمان افعال اسپانیایی را در مقایسه با زبان فارسی تصریفی و ساختمان فعل فارسی در مقابل زبان اسپانیایی را تحلیلی دانست، چنان‌که در بررسی افعال اسپانیایی کتاب *دل‌بستگی‌ها* ۲۸۱ فعل ساده غیرتکراری یافت شد. معادل این ۲۸۱ فعل ساده اسپانیایی در ترجمه فارسی این کتاب ۵۱ فعل ساده، ۱۹۰ فعل مرکب با همکرد رایج (مانند کردن، داشتن، دادن، زدن، گرفتن، شدن، انداختن، و ماندن)، ۳۱ فعل مرکب با همکرد غیررایج (مانند: شمردن، گذاشتن، نهادن، خواستن، آوردن، و بخشیدن)، و نه عبارت فعلی (مانند در قفس انداختن، به درد نخوردن، به تن داشتن، و به تنگ آمدن) بود.

باتوجه به این‌که برخی افعال مرکب در زبان فارسی شکل ساده نیز دارند، باید گفت مترجم از بین ۱۹۰ فعل مرکب فقط می‌توانسته با حفظ بار معنایی برای سه مورد، که در متن مقاله به آن‌ها اشاره شده است، فعل ساده فارسی بیاورد.

پی‌نوشت

۱. مقاله حاضر برگرفته از رسالهٔ دکتری رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی است.

کتاب‌نامه

- آهنگری، فرشته و نفیسه مرادی (۱۳۹۲)، «دستور زبان فارسی از نگاه مستشرقان»، *ویژه‌نامه فرهنگستان*، ش ۹.
- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۸۵)، *دستور زبان فارسی ۱*، تهران: فاطمی.
- البرزی ورکی، پرویز (۱۳۷۷)، «نقدی بر "مقالهٔ فعل مرکب در زبان فارسی" از دکتر محمد دبیرمقدم»، *پژوهش‌های زبان خارجی*، ش ۵.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۸)، «فارسی‌زبانی عقیم»، *آدینه*، ش ۳۳.
- حیدری ملایری، محمد (۱۳۵۲)، «بחי دربارهٔ صرف فعل در زبان علمی فارسی»، *کتاب امروز*، ش ۶.
- شقایق، ویدا (۱۳۹۵)، *مبانی صرف*، تهران: سمت.

۱۹۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۶، شهریور ۱۴۰۱

- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۰)، *مسائل تاریخی زبان فارسی*، تهران: سخن.
- طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۹۴)، *واژه‌سازی و دستور*، تهران: کتاب بهار.
- غلام‌علی‌زاده، خسرو (۱۳۷۴)، *ساخت زبان فارسی*، تهران: احیا.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین و مهدیه اسحاقی (۱۳۹۸)، «سبک‌سازی نظام‌مند فعل در زبان فارسی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، س ۱۱، ش ۲.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۶)، *دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی*، تهران: سمت.
- منصوری، یدالله (۱۳۸۲)، «بررسی ساختار فعل‌های جعلی در فارسی میانه و فارسی دری»، *نامه فرهنگستان*، ش ۲۲.
- نوذری، نازنین (۱۳۸۴)، *کتاب دل‌بستگی‌ها*، تهران: نوروز هنر.
- وفایی، عباسعلی (۱۳۹۱)، *دستور تطبیقی*، تهران: سخن.
- وفایی، عباسعلی (۱۳۹۵)، *دستور زبان فارسی (۱)*، تهران: علمی.
- وفایی، عباسعلی (۱۳۹۶)، «ساختار فعل در زبان فارسی»، *پژوهش‌های ادبی*، ش ۵۵.

Galeano, E. (2007), *El Libro de Los Abrazos*, Argentina: Catalogos.

Gómez Torrego, L. (2011), *Gramática Didáctica Del Español*, Décima Edición.

Pérez Aguijar, J. and V. Gutiérrez (2013), *Reglas De Formación de Palabras Compuestas En Español Para La Automatización de Su Re Conocimiento*, Isabel- Sánchez Burriel.

Sánchez Méndez, J. (2009), "La Formación de Palabras Por Composición Desde Un Punto de Vista Histórico", *Revista De Filología Española*, (RFE), LXXXXLX.

Sariego López, I. et al. (2017), *El Diccionario en la Encrucijada: de la Sintaxis y la Cultura Al Desafío Digital*, Escuela Universitaria de Turismo Altamira.

Tadea Díaz Hormigo, M. (2001), "Formación de Palabras y ELE: Una Propuesta Didáctica Para La Enseñanza de La Formación de Verbos Por Prefijación En Español A Discentes Italianos", *Revista Electrónica de Didáctica ELE*, no. 22

Kazumi, K. (1993), "Caractrización y Estructuras Del Verbo Compuesto", *Hispanica*, no. 37,